نگاهی گذرا به شعر «حسنک امین»

مهرابی، سید محسن

شعر«حسنک امین»(مندرج در«ویژه‏نامه‏ی بیهقی»حافظ/ شماره‏ی 30)در پاسخ به سوالی مقدر آغاز می‏شود،خواننده با خواندن‏ سطرهای بعدی متوجه می‏شود که شاعران در خطاب با نفس خود به‏ بیان عقایدش می‏پردازد،این‏که بیش‏تر افعال شعر در آخر سطر قرار گرفته‏اند،به کلام حالت یک دفاعیه‏ی رسمی در محکمه‏ی وجدان‏ می‏دهد.

شعر دارای چهار بند است که هرکدام اندیشه‏یی را بازگو می‏کنند، در بند اول نادانی و خود را به غفلت زدن تماشاچیان پای چوبه‏ی دار که‏ برای ساعاتی تفریح رایگان به آن‏جا آمده‏اند از نمایی مشرف بر آن‏ها بیان می‏شود.این تماشاچیان که از اصناف مختلف هستند با کلماتی‏ که همگی حرف خ را همراه خود را دارند و بی‏تفاوتی آن‏ها را نسبت به‏ صحنه‏ی اعدام نشان می‏دهد،به هم متصل می‏شوند.با این حال این‏ مردمان از هر صنفی هرچند هم خواب‏آلوده و بی‏تفاوت باشند،دیدن‏ چنین تفریحی چندان مناسب نمی‏باشد،مگر این‏که اعدامی،قاتلی‏ بالفطره و یا متجاوزی به ناموس عامه‏ی خلق باشد که در این فقره از چنین اتهامی خبری نیست.با این حال شاعر در پایان بند اول با آوردن‏ ترکیب«بر دارکردن»و قرار دادن آن میان علامت«...»به گونه‏یی‏ تقریبا آشکار حد اقل برای خواننده‏ی آشنا با تاریخ بیهقی،تاثیر خود را از او زمینه‏چینی می‏کند.

این زمینه‏چینی در بند دوم با عبارت«فرستادگان خلیفه‏ی بغداد» و در پایان بند سوم که آشکارا از زیر چاپ بودن ویژه‏نامه‏ی بیهقی حرف‏ می‏زند،به مرحله‏ی نهایی رسیده تا خواننده حتا فارغ از عنوان شعر بداند که حسنک دیگری دارد بر دار می‏شود.

بند دوم،بیانگر سیما و عملکرد فرستادگان خلیفه‏ی بغداد است که‏ نفرین با نفرت آن‏ها،آن‏چنان از عمق وجودشان نشات گرفته که باعث‏ می‏شود،اعدامی در تنها هراس و وحشت خود در شعر از دنیا و همه‏ی‏ آدم‏هایش بگریزد و تنها مکان امن!را همان چوبه‏ی دار بداند که قرار است تا دقایقی دیگر او را از نعمت زندگی بی‏بهره سازد.

در بند سوم که با جمله‏ی«کیسه‏بران در میان تماشاچیان‏ می‏لولند»آغاز می‏شود،خواننده به دقت و دید عجیب اعدامی پی‏ می‏برد که حد اقل در لحظه‏های حساس مرگ و زندگی از سوی‏ محکومی در آستانه‏ی اجرای حکم اعدام نادر و بعید است.شاید تنها توجیه برای این حالت دقت نظر،باریک و حساس‏بین مخاطبان است. شاعر در این بند با آوردن اصطلاحات حقوق چون مجلس قضا، امضای پرونده و رأی دادن و اصطلاحات،کهنه‏ی آن مانند شحنه، عسس،جانباشی،جاندار و حرس به‏گونه‏یی بر این مساله صحه‏ می‏گذارند.اولین بند را با آوردن علامت نقطه در میانه‏ی آن به‏ اندیشه‏ی محوری تقسیم می‏کند،حالتی که می‏توانست در دو بند مجزا صورت گیرد.با این حال در اندیشه‏ی دوم شاعر به حرفه‏ی دوم‏ خود یعنی دغدغه‏ی نشر ماهنامه‏ی حافظ اشاره می‏کند که احتمالا مکان آن در فاصله‏ی میدان اعدام تا گورستان بهشت زهرا قرار گرفته. این سطر که بلندترین سطر شعر نیز هست به‏گونه‏یی زیبا خواننده را وادار می‏کند تا در جمله‏یی طولانی فاصله‏ی زیاد میدان اعدام تا گورستان بهشت زهرا را درک کند.در پایان این بند،شاعر،حرکتی را که از ابتدای شعر با آوردن افعال مضارع اخباری(که بیش‏تر افعال شعر را به خود اختصاص داده‏اند)پایه‏ریزی کرده بود،به نتیجه می‏رساند.

در واقع یکی از کاربردهای مضارع اخباری علاوه بر بیان علمی که‏ جنبه‏ی عادت و استمرار دارد،نگاه به آینده است.در پایان این بند می‏بینیم که ویژه‏نامه‏ی بیهقی زیر چاپ است و چون زیر چاپ است، در آینده‏یی نزدیک منتشر خواهد شد و همین به اعدامی در بند پایانی‏ امید می‏دهد تا با افتخار خود را حسنک روزگار خویش بخواند و اندیشه‏ی اول شعر را با اطمینان و کلامی عاری از تردید و دو دلی بار دیگر بیان کند:(تاوان نه گفتن همین است.)تکرار مضمون این‏ جمله،خواننده را که اندیشه‏ی اصلی شعر را فراموش کرده بود به‏ همان خانه‏ی اول باز می‏گرداند.در پایان کار شاعر در کوتاه‏ترین سطر شعر با حالتی قاطعانه،تنها دریغ و افسوس خود را که همانا برپا نشدن‏ شوری در پای دار اوست،بیان می‏کند.تنها افعال منفی شعر نیز بر این‏ حسرت رندگی خاص می‏بخشد.

ایده‏ی مستتر در تمام شعر،غفلت و خواب‏زدگی تماشاچیان و اطرافیان است که یکی از حسرت‏های اصلی اصحاب فرهنگ حد اقل‏ در این سرزمین می‏باشد.انگار تماشاچیان در سکوتی محض‏ فرورفته‏اند و همین سکوتشان شعر را گونه‏یی از فیلم‏های صامت نشان‏ می‏دهد.با این حال این مضمون مستقیما بیان می‏شود و شاعر (اعدامی)که دیگر ترسی از کسی یا چیزی ندارد و آن‏چه را که داشته‏ تا دقایقی دیگر کاملا می‏بازد،آشکارا از این مضمون سخن می‏گوید. کلامش ایجاز ندارد،گویی اصحاب مجلس قضا او را آزاد گذاشته‏اند که‏ تا هر زمانی که می‏خواهد با وجدان خود درد دل کند.تمهید شاعر برای‏ رهایی از اطاله‏ی کلام و ممانعت از خستگی خواننده،پرهیز از آوردن‏ علامت‏های مکث(،)و نقطه است،حتا در بند دوم(قسمت‏ اصطلاحات حقوقی)با آوردن واو عطف بر سریع خواندن شعر کمک‏ می‏کند.با همه‏ی این‏ها نبود ایجاز در کلام باعث می‏شود که تاثیر شعر به خاطر حرف‏هایی باشد که اعدامی می‏زند نه برای شکل و فرم آن.